

بررسی رنگ و نقش آن در طراحی داخلی

سنا ابراهیمی

دانشجوی کارشناسی طراحی صنعتی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

امروزه با تحولاتی که در عرصه صنعت رنگ ها رخ داده است، طراحی داخلی را نیز دگرگون کرده است، ولی رموز و اسرار پنهان خود را فقط برای علاقه مندان واقعی آشکار می سازند. رنگ زندگی است، رنگ ها ایده آغازین و ثمره نور اصلی بدون رنگ هستند. رنگ ها از روح آدمی و دناى پر رمز و راز انسان سخن می گویند. رنگ ها با تمامی عوامل و جزئیات زندگی ما چنان رابطه تنگاتنگی دارند که باید گفت رنگ ها بسان پله هایی هستند که وجود فیزیکی و روحی انسان را با سایر جزئیات و پدیده های جهان هستی در ارتباط قرار می دهند. این ارتباط و تاثیر به حدی است که حتی انسان ها در کلمات و جملات خود نیز برای بیان احساسات درونی شان از رنگ ها استفاده کرده و آن را بیان می دارند. استفاده از رنگ مناسب متناسب با فضای معماری داخلی ساختمان باعث افزایش آرامش خواهد شد. هدف این مقاله بررسی نقش رنگ در طراحی داخلی با روش تحقیق توصیفی- تحلیلی می باشد. به همین منظور ابتدا به بررسی رنگ و ویژگی ها آن و سپس به تاثیر آن در معماری داخلی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: رنگ، طراحی داخلی، فضا، احساس آرامش.

مقدمه

در طول قرن ها، رنگ برای اشخاص مختلف معنای مختلف داشته است. رنگ برای سنت آگوستین انعکاس افلاطونی خدا بود. برای ایزاک نیوتن انرژی نوری، برای ولفانگ فون گوته، یک ادراک ذهنی و برای لاک کیفیت از اشیایی که می بینیم اما برای الکساندر اسکریپین رنگ تمثیل بصری و موسیقی برای لودمیک و تیگن اشاتین در درجه اول یک مسئله نهایی و برای ایسلی کاندنیسکی یک شیوه بیان روح بود. ضمن اینکه شامل همه اینهاست برای یافتن یک جهان بینی خاص و راهی برای روح احساس خود امری ذاتی است. با وجود همه این موارد می اوات با اطمینان گفت که: رنگ برای بیشترین طیف تقریباً نامحدود از تاثیرات ظریف و پربار فراهم می کند و حاصل اطلاعات اولیه و ابزار قدرتمندی است که برای یک هنرمند یک ستاره شناس و یا هر کس دیگری ارتباط برقرار کند به یک اندازه اهمیت دارد. رنگ نیز مانند هوا و آب بخشی از دنیای ماست. هیچ چیز بدون شکلی مادی قابل رویت نیست. رنگ هایی که پیرامون ما در دینای هنر فراگرفته اند و بطور روزمره با آن ها سر و کار داریم، نه تنها قابلیا پیام و احساسان و عواطف هنرمند را دارا می باشند، بلکه دارای انرژی درمانی نیز هستند و تقریباً تمامی کسانی که به نوعی با رنگ سر و کار دارند، از تاثیرات آن کم و بیش باخبرند، البته انسان ها در رابطه با رنگ ها اشتراک عقیده ندارند، یعنی هر فردی نسبت به رنگی جاذبه و دافعه خاصی از خود نشان می دهد. شاید رنگ هایی که برای شما بسیار جالب و زیبا و خوشایند هستند، برای دیگران بی معنی و یا کم ارزش جاوه کند. و این کاملاً طبیعی است که شما رنگی را به پسندید و یا نپسندید.

رنگ بازتابی از نور است که به شکل های متفاوتی در می آیی و این بازتاب مجموعه وسیعی را شامل می شود. انسان از گذشته های دور به استفاده از رنگ ها علاقه مند بوده است. گروهی عامل گرایش انسان های ابتدایی به کاربرد رنگ را در طبیعت و رنگ های موجود در آن می دانند و معتقدند که آن ها با الهام از طبیعت و پدیدار شدن شب و روز رنگ هایی چون سیاه و قرمز را به عنوان رنگ هایی سمبلیک به کار می برند و از این رو رنگ جدید تزئین گور مردگانشان بهره می گرفتند. نقش رنگ ها و مفاهیم نمادین آن ها در مذاهب و امکان مقدس متفاوت بوده است.

رنگ در شکل گیری فضا نقشی موثر و تاثیر گذار دارد: رنگ از لحاظ اقلیمی می تواند بسیار موثر باشد. در گذشته رنگ ها را متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی هر منطقه به کار می بردند، مثلاً در مناطق سردسیری کشور از رنگ هایی گرم و در مناطق گرمسیری از رنگ های سرد استفاده می کردند، شاید به نظر عجیب برسد که در حوزه حس بصری رنگ حرارت را می تواند تشخیص داد. به هر حال تجربه نشان داده است بین دو آتلیه که یکی با رنگ سبز آبی و دیگری با قرمز نارنجی رنگ شده باشد. ۵ تا ۷ درجه اختلاف حرارت یا بودت از طریق ذهنی احساس می شود. به عبارت دیگر، کسانی که در آتلیه سبز آبی هستند در ۱۵ درجه سانتی گراد احساس سرما می کردند، اما در اتاقی که با رنگ قرمز نارنجی رنگ شده بود تا ۱۱-۱۳ درجه سانتی گراد نیز احساس سرما نمی کردند. (امیری و همکاران، ۱۳۹۴، ۴)

اما متأسفانه در طراحی فضاهای داخلی امروز کمتر به تناسبات رنگی، اقلیمی و فرهنگی توجه می گردد و بهره گیری از رنگ ها در ساماندگی فضاهای داخلی از روند متعادلی برخوردار نمی باشد و این امر سبب ظهور فضاهایی نامطلوب و در نهایت نارضایتی شهروندان از محیط زندگی اجتماعی شان گشته است.

رنگ در تعریف فضا نیز بسیار موثر است. یکی از راه های تفکیک بخش های مختلف یک فضا در مکان هایی که فضای باز و یک تکه دارند استفاده از رنگ های متفاوت می باشد و خط عمودی که بین دو فضا ایجاد می شود، محدوده آن را مشخص می کند.

رنگ و اشکال

شکل و رنگ در معنی دار بودن و مفهوم خود یکدیگر را اثبات و تأیید می نمایند. سه شکل اصلی _مربع، مثلث و دایره نیز مانند سه رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی دارای خصوصیات مفهومی و بیانی مشخص هستند .

مربع

مربع که اساس آن تقاطع قائم دو خط افقی است، نمایاگر ماده، وزن و حدود مشخص است. وقتی یک مربع با اضلاع صاف و مستقیم و زوایای قائمه اش ترسیم می شود، حس کشش و و امتداد و تجربه سکون را القا می کند. کلیه شکل هایی که دارای خطوط افقی و عمودی هستند، مثل صلیب، مربع مستطیل یا نظایر آن، قابلیت تشبیه به مربع را دارند. مربع با رنگ آبی منطبق است و رنگ آبی با شکل سنگین و ساکن مربع مطابقت دارد.

[مثلث]

مثلث حاصل تقاطع سه خط مورب است، و زوایای حاد و تند آن تأثیر ستیزه جوئی، پرخاش و تهاجم را ایجاد می کنند. مثلث شبیه کلیه شکل هایی که دارای خاصیت مورب می باشند_مثل لوزی، دوزنقه زیگ زاگ و نظایر آن_مثلث سمبل تفکر است و حالت و خصوصیت بی وزن آن با زرد روشن هماهنگی دارد.

دایره

دایره مکان هندسی نقاطی است که حول نقطه ای در یک سطح با فاصله ثابت حرکت می کنند. برعکس مربع که احساس تند و تیزی و سکون را ایجاد می کند، دایره احساسات را ملایم و معتدل نموده و حس آرامش و حرکت آرام و آهسته را القا می نماید. دایره سمبل روح است که در درون خود همواره در حال حرکت است.

چینی های قدیم برای ساختن معابد خود اشیا مدور را به کار می بردند، در حالی که کاخ های فانی و دنیوی سلاطین به شکل چهار گوش ساخته می شد. سمبل ستاره شناسی خورشید دایره ای است با نقطه ای در مرکز آن. دایره با تمام شکل هایی که خصوصت قوس دار و مدور داشته قرابت دارد مثل اشکال بیضوی، موجی، بشقابی یا سهمی و نظایر آن. شکل دایره که لاینقطع در حال حرکت است، با قرمز مطابقت دارد. مربع بیانگر ماده ساکن است، مثلث درخشان نماینده تفکر است، و دایره روحی است با حرکت ابدی. اگر در پی شکل هلیی برای رنگ های ثانویه باشیم، دوزنقه را با سبز، سه گوش های گوی مانند را با نارنجی، و بیضی را با بنفش منطبق خواهیم یافت. مثلث، دوزنقه _مربع_ مستطیل و سایر اشکال هندسی که دارای گوشه می باشند گویای هندسی استاتیکی بوده و دایره، بیضی و بیضوی نمودار هندسه دینامیکی می باشند.

(صدر_ ابولقاسم ۱۳۸۴)

(ایتن_یوهانس ۱۳۸۱)

رنگ و بافت

جنس و بافت، عاملی مهم است که باعث زنده شدن رنگ ها می شود. در واقع، برخی رنگ ها تنها در صورت قرار گرفتن در جنس و بافت مناسب می توانند همنشینی زیبایی را ارائه دهند. مثلاً پارچه نخی سفید و چرم مشکی کاملاً با هم مناسب هستند. ما می توانیم از دو جنبه به این مساله نگاه کنیم. مثلاً وقتی نور از بافت های مختلف باز می تابد. ما تأثیرات مختلفی را مشاهده می کنیم. شاید این بازتاب درخشان، مات، کدر یا شفاف باشد یا نرمی و زبری بافت آن، توجه انسان را به خود جلب کند. اما ما از لحاظ فیزیکی نیز می توانیم از بافت پارچه لذت ببریم. و این زمانی است که بافت و جنس پارچه نیز با زیبایی ظاهری آن هماهنگ است.

پرده های سفید ساده وقتی از پارچه ای با بافت مخفی دوخته شده باشند جذاب تر می شوند. اگر به آن دست بزنید متوجه می شوید که آنها از ابریشم شسته شده ای ساخته شده اند که به آن حالت درخشندگی و سیری عاج را داده است. بنابراین هر چه ترکیب رنگ ساده تری را انتخاب کنید نقش و بافت پارچه اهمیت بیشتری می یابد. البته مدل های پیچیده هم شکل خاص خود را دارند. اما رنگ های ساده و مدل های بدون زرق و برق قدرت و جلوه ی بافت و جنس پارچه را بیشتر می کند.

ایجاد تعادل مناسب میان بافت های سخت و نرم راه ایجاد فضای مناسب در اتاق است. اتاق خوابی به رنگ تماماً سفید شاید به تأثیر گرمابخش و جذاب تخته های عسلی رنگ کف اتاق احتیاج داشته باشد. اما این رنگ می تواند از تخته های عسلی رنگ کف اتاق احتیاج داشته باشد. اما این رنگ می تواند از تخته های چوبی و روغنی کف، کفپوشی از گیاه آگاو یک قالیچه پشمی شیک، درخشندگی نخودی رنگ پوشش کف، چوب پنبه با سنگ تامین شود. به این ترتیب ترکیب بافت ها و رنگ ها به ایجاد فضاهای جادویی می انجامد.

(جوانا کاپستیک/مریل لوید)

رنگ و نور

آیا تا به حال از خود پرسیده اید که چرا یک سیب قرمز به نظر می رسد؟! به طور معمول، ما فکر می کنیم رنگ یک جسم بدون تغییر و ثابت است. در واقع این همه ی حقیقت نیست. بلکه رنگ ظاهری یک جسم، بسته به اینکه چه بازتابشی از نور بازتابیده شده بر آن دارد، متفاوت است. مثلاً در مثال سیب، دلیل قرمز بودن آن این است که سیب، رنگ قرمز موجود در طیف رنگی نور را بازتاب داده و بقیه نورها را جذب می کند. بنابراین به نظر قرمز می رسد اما اگر از فیلتری در مسیر نور استفاده شود که رنگ قرمز را عبور ندهد، سیب فقط مقداری کمی نور را باز می تاباند، بنابراین تاریک به نظر می رسد. این حقیقت که نور می تواند آرایش رنگ اجسام را تغییر دهد، یعنی اینکه، این تغییرات در ظاهر رنگ اشیا اتفاق می افتد، اما مغز ما این تغییرات را جبران کرده و اشیا را به همان رنگی که انتظار داریم می بیند. اما در حقیقت این تغییرات روی عکس العمل ما نسبت به محیط و اشیا تأثیر می گذارد

همه ی نورها مثل هم نیستند

نورها در حالی که ظاهر یکسانی دارند، از نظر آرایش رنگی باهم دیگر متفاوت اند. مثلاً نور ظهر تقریباً به طور کامل مقادیر متعادل از تمام طیف های رنگ را در خود دارد. اما نور روز از نظر رنگی تغییر می کند، به همین خاطر ظاهر رنگی اشیا در نور اول صبح یا در سایه فرق می کند. نورهای مصنوعی نیز طیف های متفاوت رنگی دارند

نور سفید و رنگ های درخشان
عموماً نور سفید (نوری که همه طیف های رنگی را در خود دارد) رنگها را طبیعی تر و درخشان تر نشان می دهد. اما تعدادی از رنگ های طیف نوری مهم تر از بقیه هستند. سه رنگ اصلی (قرمز، آبی، زرد) می توانند باهم ترکیب شده و هر رنگی را بوجود بیاورند. بنابراین نوری که میزان متعادلی از این سه رنگ را داشته باشد، می تواند ظاهر رنگی خوبی به اجسام بدهد، حتی اگر منبع نوری ما طیف ضعیفی از رنگ های دیگر را در خود داشته باشد

چرا رنگ ها را متفاوت می بینیم؟

اینکه ما رنگ ها را چگونه می بینیم به دو عامل بستگی دارد

۱. نوری که جسم جذب می کند : سیاه تمام رنگ ها را جذب می کند. سفید هیچ نوری را جذب نکرده و همه را بازتاب می دهد. آبی ، قرمز را جذب می کند

۲. تاثیر منبع نوری : نور طبیعی (خورشید)، در طول روز تغییر می کند و بسته به جهت و محل قرار گیری فضا ، متفاوت می شود. نورهای مصنوعی نیز بسته به نوع سیستم نوری لامپ، تغییر می کنند.

فیروزه فقهی

رنگ و کنتراست

کنتراست اختلاف مشخصه بین دو رنگ یاد یا دو گروه رنگ است. مقایسه تأثیر متقابل آنها با یکدیگر توسط چشم صورت می گیرد. این کنتراست می تواند در شدیدترین شکل خود قرار گیرد، می تواند کنتراست تیره - روشنی باشد، کنتراست هم زمان باشد و یا کنتراست سرد و گرم

انواع کنتراست

کنتراست ته رنگ

کنتراست تیرگی - روشنی رنگ

کنتراست رنگ های سرد و گرم

کنتراست رنگ های مکمل

کنتراست همزمان

کنتراست کیفیت

کنتراست کمیت (وسعت سطح)

کنتراست ته رنگ

برای رسیدن به این کنتراست کافی است که از رنگ های خالص استفاده کنیم. وقتی گفته می شود رنگ های خالص ، منظور فقط سه رنگ اصلی نیست بلکه همه رنگ های چرخه ی رنگ را می توان به عنوان رنگ خالص استفاده کرد. شدیدترین کنتراست ته رنگ میان سه رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی که هیچ وجه مشترکی از لحاظ رنگین بودن با هم ندارند بر همین اساس کنتراست ته رنگ در میان رنگ های درجه دوم یعنی سبز، نارنجی و بنفش که رنگ های به وجود می آید ترکیبی هستند به مراتب کمتر است. در رنگ های درجه سوم بازار کنتراست رنگ کاسته خواهد شد



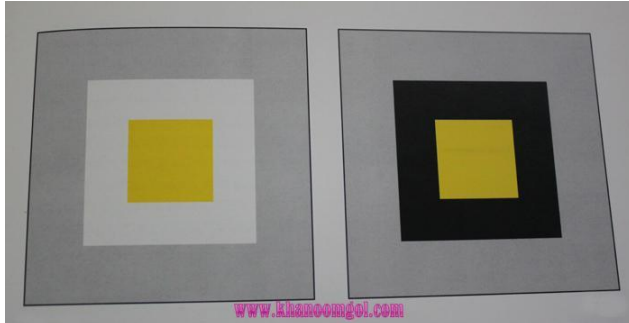
شکل ۴-۱۰ شدت کنتراست ته رنگ در رنگ های درجه دوم از رنگ های اصلی کمتر است.

www.sagharerang.blogfa.com

همچنین رنگ های وقتی با سیاه و سفید مخلوط شوند از میزان کنتراست ته رنگ آنها کاسته می شود. استفاده از سیاه و سفید در کنار رنگ های خالص می تواند به ایجاد کنتراست ته رنگ و شدت بخشیدن به تأثیرات رنگ های تیره یا روشن کمک کند

کنتراست تیرگی - روشنی رنگ

تأثیراتی که کنتراست تیرگی - روشنی رنگ روی روابط میان رنگ ها و روی مخاطبین یک اثر هنری می گذارد ، پس از کنتراست ته رنگ از اهمیتی ویژه برخوردار است. میزان تیرگی هر رنگ را می توان به طور مناسب با یک درجه از خاکستری بی نام (خاکستری حاصل از ترکیب سیاه و سفید) نشان داد. از این طریق می توان به راحتی رنگ ها را از لحاظ تیرگی و روشنی با هم مقایسه کرد



کنتراست رنگ های سرد و گرم

معمولاً احساس سردی و گرمی رنگ ها مربوط به دریافت و تجربه ما از عناصر موجود در طبیعت است. برخی از رنگ ها مثل قرمز، زرد و رنگ های مربوط به آن ها را عموماً گرم احساس می کنیم و رنگ هایی مثل سبز، آبی و ترکیب های مربوط به آنها را معمولاً سرد و خنک احساس می کنیم. در میان رنگ ها می توان قرمز ، نارنجی را به عنوان پرحرارت ترین رنگ و سبزآبی را سردترین رنگ احساس کرد. اما برای سردی و گرمی رنگ ها هیچ حد و مرزی نمی توان قایل شد، بلکه سرد یا گرم کردن آنها بستگی به رنگ های هم جوار و حس درونی مخاطب دارد. در هر حال براساس دایره رنگ با یک خط قطری که از سبزرزرد به قرمز بنفش امتداد می یابد می توان یک حد تقریبی را میان رنگ های گرم در سمت راست دایره و رنگ های سرد در سمت چپ دایره تصور کرد

کنتراست رنگ های مکمل

وقتی دو رنگ مکمل در کنار هم قرار می گیرند تأثیرگذاری آنها به روی هم طوری است که یکدیگر را از نظر درخشش و قدرت فام به شدیدترین مرتبه ارتقا می دهند. همان طور که قبلاً گفته شد دو رنگ مکمل در چرخه دوازده رنگی به صورت قطره ی روبروی هم قرار می گیرند مانند زرد و بنفش ، قرمز و سبز، نارنجی و آبی وجود رنگ های مکمل در یک ترکیب بصری می تواند در ایجاد رابطه هماهنگ میان رنگ ها نقش مهمی داشته باشد و احساسی از کمال رنگ و درک نو را به وجود بیاورد

در تصویر بالا رنگهای روبرو به هم ، مکمل یکدیگرند

کنتراست همزمان - 5

کنتراست همزمان ناشی از تأثیر عمومی رنگ ها به روی احساس بینایی است و با رابطه میان رنگ های مکمل ایجاد می شود. وقتی که با یک رنگ را می بینیم ، چشم و ذهن ما به طور همزمان مکمل آن رنگ را پدیده می آورند. البته این رنگ به صورت ذهنی به وجود می آید و ملموس نیست بلکه فقط احساس می شود

وقتی از خاکستری ها در ترکیب رنگی استفاده می شود، کنتراست همزمان به نحو مؤثرتری احساس می شود. کنتراست همزمان نه تنها در میان یک خاکستری و یک رنگ خالص به وجود می آید. بلکه در میان دو رنگ که به طور کامل مکمل یکدیگر نیستند نیز اتفاق می افتد

کنتراست کیفیت

در این جا منظور از کیفیت، حالت خلوص و اشباع رنگ است. وقتی که یک رنگ خالص در کنار رنگ های ناخالص که با سیاه، سفید و یا مکمل خود مخلوط شده اند قرار می گیرد ، کنتراست کیفیت رنگ ایجاد می شود

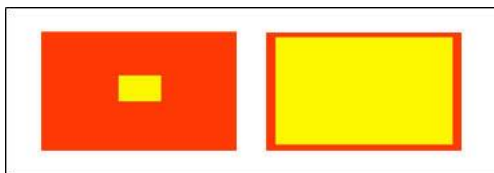
کنتراست کمیت (وسعت سطح)

کنتراست کمیت مربوط به رابطه متقابل دو یا چند سطح رنگین از نظر وسعت است. در این کنتراست رابطه ی بزرگی و کوچکی سطوح رنگین نقش اصلی را بازی می کند. زیرا نسبت بزرگی سطح رنگ ها با یکدیگر می تواند در ایجاد رابطه هماهنگ میان آنها مؤثر باشد. در ایجاد کنتراست کمیت دو عامل نقش اساسی دارند

میزان درخشش و خلوص رنگ - 1

میزان بزرگی سطح یا لکه رنگی - 2





ساده ترین کنتراست

کنتراست ته رنگ از ساده ترین کنتراست های هفت گانه رنگ است. برای رسیدن به این نوع کنتراست کافی است که از رنگ های خالص استفاده کنیم. شدیدترین کنتراست ته رنگ میان سه رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی به وجود می آید. کنتراست ته رنگ در میان رنگ های درجه دوم یعنی سبز، نارنجی و بنفش به مراتب کمتر است. در رنگ های درجه سوم از شدت کنتراست ته رنگ باز هم بیشتر کاسته خواهد شد.

رنگ های سرد و گرم در ایجاد دوری و نزدیک چه نقشی دارند
رنگ های گرم از نظر ایجاد بعد فضایی، معمولاً نزدیک تر احساس می شوند، در حالی که رنگ های سرد حتی اگر در همان فاصله قرار داشته باشند، عقب تر و در فاصله ای دورتر دیده می شوند. بدین ترتیب رنگ های سرد و گرم در ایجاد دوری و نزدیکی نقش مهمی دارند و در نمایش پرسپکتیو جوی به هنرمندان کمک می کنند

خانم عباسی بختیاری

طراحی داخلی

طراحی داخلی که به عنوان یک حرفه، یک هنر و یک صنعت در دنیا شناخته شده،

-یعنی زندگی و کار است های روزمره ها به منظور انجام فعالیت سازی فضاهای داخلی ساختمان بهینه بخش اعظم عمر ما در فضاهای داخلی بناها سپری می شود. این فضاها محیطی را ایجاد می کنند که پاسخ گوی نیازهای اساسی ما نظیر نیاز به سرپناه بوده و بسیاری از فعالیت های ما در آن صورت می گیرد.

همچنین آنچه به یک بنا روح می‌بخشد، فضای داخلی آن است. بنابراین می‌توان گفت کیفیت فضای داخلی از یک طرف تأثیر مستقیمی بر نحوه انجام فعالیت‌های ما در آن دارد و از طرف دیگر نگرش، احوال و شخصیت ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، هدف طراحی داخلی، بهبود عملکرد فیزیکی و روانی فضا برای راحت‌سازی زندگی در آن است. فضای معماری بدون طراحی داخلی یا اصلاً قابل استفاده نیست و یا در صورت قابل استفاده بودن، کارآیی لازم و بهینه را نخواهد داشت.

دهد. بر این اساس، هدف طراحی داخلی، بهبود عملکرد فیزیکی و روانی فضا برای راحت صیت ما را تحت تأثیر قرار می‌سازد. فضای معماری بدون طراحی داخلی یا اصلاً قابل استفاده نیست و یا در صورت قابل استفاده بودن، کارآیی لازم و بهینه را نخواهد داشت.

طراحی داخلی زندگی همه‌آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تأثیرات آن در زندگی به وضوح قابل مشاهده است. از تواند برای این رو موضوع طراحی داخلی به هیچ وجه محدود به اقشار مرفه و خانه‌های اعیانی نیست. طراحی داخلی می‌کند. کل جامعه و طبقات کم درآمد هم مفید باشد.

اگر قناعت را اصل اساسی امروز جامعه بدانیم و قصد داشته باشیم امکان زندگی راحت را در فضای ۴۰ یا ۶۰ متری آپارتمان‌ها فراهم کنیم، طراحی داخلی یک ضرورت گریز ناپذیر خواهد بود. طراحی داخلی می‌تواند به ما نشان دهد که در این فضای کوچک چطور و با چه وسایلی باید زندگی کنیم.

های روحی - روانی انسان قرار دارد، بایستی برای نیل به یک طرح از آنجا که طراحی داخلی در ارتباط مستقیم با ویژگی‌های رفتارهای انسانی در فضاهای داخلی زیستی اعم از عمومی و خصوصی، در طراحی به دقت مورد توجه مطلوب، ویژگی‌ها و طراح به هنگام طراحی فضای داخلی با دو مقوله سروکار دارد: کاربرد آن فضا، و احساس و تأثیری که قرار گیرد. از این‌کننده داشته باشد خواهد آن فضا بر استفاده می‌کند.

ها از قبیل فرم، نور، رنگ، بافت، کف، سقف، دیوار، عناصر کارکردی و طراحی داخلی طیف گوناگونی از عناصر و مؤلفه‌ها را در بر می‌گیرد. این عناصر ابزارهای کار طراح هستند که همگی باید بطور هماهنگ و متناسب در یک تزیینی و مبلمان را در برمی‌گیرد. طرح مرتبط و خوشایند قرار گیرند.

های کاربردی، گیرد، به همان میزان که شامل جنبه طراحی داخلی که در حد واسط میان معماری و طراحی قرار می‌گیرد. رو طراحی داخلی شناسانه را نیز در بر دارد. از این‌ها بصری و زیبایی‌شناختی، طراحی تجسمی و جنبه ساختاری و فنی می‌گیرد. در ردیف هنرهای تجسمی به حساب آمده است و برای موفقیت در آن، بایستی تا حد نسبتاً زیادی با عناصر و اصول طراحی تجسمی و مبادی سواد بصری آشنا بود.

گیرد، اما از اگرچه طراحی داخلی امروزه به عنوان یک تخصص شناخته می‌شود و محدوده بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد، اما از آنجایی که این رشته در ارتباط مستقیم با فضای داخلی خانه و زندگی روزمره می‌باشد، شناخت الفبای طراحی داخلی و دار، به قابل فهم کردن آن و برخوردی علمی با این پدیده تبیین مبانی آن به زبان ساده برای عموم مردم و بویژه زنان خانه‌دار، رو بنا داریم طی خواهد انجامید و در نهایت تأثیری عمیق بر کیفیت فضاهای زیستی جامعه ما خواهد داشت. از این

گیری از اصول طراحی تجسمی و سواد بصری و نیز با هایی به مباحث مختلف طراحی داخلی بپردازیم و با بهره یادداشت استناد به نمونه های موفق طراحی داخلی خانه در سطح جهان، دانش و آگاهی افراد خانواده را در این خصوص افزایش ها سعی خواهیم نمود با ذکر نکات کلیدی و کاربردی در مورد کیفیت فضاهای داخلی خانه، شما را دهیم. در این یادداشت های علمی و کاربردی شما را در نسبت به محیط و فضای اطرافتان و عناصر موجود در آن حساس تر کنیم و توانایی زیباسازی محیط خانه و بهبود کیفیت فضاهای آن افزایش دهیم

معماری داخلی ، طراحی داخلی و دکوراسیون

سه عبارت معماری داخلی ، طراحی داخلی و دکوراسیون داخلی معمولاً به غلط به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند. گرچه هر سه بخش های مشترکی با هم دارند و هدف همه ی آنها بهبود کیفیت زندگی از طریق بهبود فضا است ، اما مترادف هم نیستند.

تخصص معماری داخلی در مقیاس انسانی و در ارتباط با فضاهای عمومی و شخصی است. مباحث تخصصی مرتبط با معماری داخلی مباحثی چون روانشناسی رفتار ، ساختارها و خدمات پشتیبانی ، مواد و مصالح ساختمانی ، رسانه های ارتباطی ، ارگونومی و .. است.

در طرف مقابل دکوراتورها کسانی هستند که تنها با سطح ظاهری فضا سرو کار دارند. اغلب آنها دوره های تخصصی را گذرانیده و آموزش دیده اند.

بسیار واضح است که علیرغم اشتراکات بسیار ، این سه رشته مترادف هم نیستند و در حوزه ای کاری متفاوتی فعالیت می کنند.

جامعه طراحان داخلی آمریکا ، طراح داخلی را چنین تعریف می کند: متخصصی برای طراحی فضاهای داخلی با عملکرد و کارایی بالا که تخصص خود را از طریق آموزش های رسمی کسب کرده است.

مهمترین بخش حرفه ی یک طراح داخلی ، داشتن هنر و علم درک رفتار مردم به منظور ایجاد فضاهای کاربردی خلاقانه درون ساختارهایی است که معماران داخلی طراحی کرده اند.

رنگ در طراحی داخلی

صفات رنگ

یکی از ملاحظات روانشناختی رنگ که در کاربرد هنری رنگ اهمیت دارد، بررسی تأثیر متقابل رنگ ها است. جلوه یا اثر هر رنگ در جوار رنگ دیگر تغییر می کند هر رنگ نسبت به دیگری میزان تیرگی یا روشنی ذاتی اش را می نمایاند. معکوس کردن این ترتیب طبیعی، ناسازگاری رنگی به بار می آورد. هر رنگ دارای سه صفت یا سه بُعد دیداری مستقلاً تغییر پذیر است : فام، درخشندگی و پرمایگی

فام صفتی از رنگ است که جایگاه آن را در سلسله ی رنگی (از قرمز تا بنفش) معادل با نور طول موج های مختلف در طیف مرئی مشخص می کند. قرمز، زرد و آبی را فام های اولیه می نامند و چون مبنای سایر فام ها هستند رنگ های اصلی نیز نام گرفته اند. فام های ثانویه عبارتند از: نارنجی، سبز و بنفش که از اختلاط مقادیر مساوی از دو فام اولیه حاصل می شوند. فام های ثالثه از اختلاط فام های اولیه و ثانویه به دست می آیند: زرد- نارنجی (پرتقالی)، قرمز- بنفش (ارغوانی)، بنفش- آبی (لاجوردی) آبی- سبز (فیروزه ای)، سبز- زرد (مغز پسته ای). فامهای نامبرده را با ترتیبی معین در چرخه ی رنگ نشان می دهند .

در چرخه ی رنگ فام های ثانویه و ثالثه ای که بین یک زوج فام اولیه جای گرفته اند دارای روابط خویشاوندی هستند و در کنار هم ساده ترین هماهنگی رنگی را پدید می آورند. مادامیکه این رنگها با رنگهای خالص سفید و سیاه ترکیب شوند ایجاد بیشماری از رنگها و سایه های مختلف می نمایند

درخشندگی رنگ:

دومین صفت رنگ است و درجه ی نسبی تیرگی و روشنی آن را مشخص می کند (غالباً نقاشان اصطلاح رنگسایه را نیز در همین معنا به کار می برند). معمولاً درخشندگی رنگ های فام دار را در قیاس با رنگ های بی فام می سنجند. در چرخه رنگ، زرد بیشترین درخشندگی (معادل خاکستری روشن نزدیک به سفید) و بنفش کمترین درخشندگی (معادل خاکستری تیره ی نزدیک به سیاه) را دارد .

پرمایگی (اشباع) رنگ:

سومین صفت رنگ است و میزان خلوص فام آن را مشخص می کند(گاه واژه ی شدت را در این مورد به کار می برند). فام های چرخه رنگ صد در صد خالص اند ولی در طبیعت به ندرت می توان فام خالصی یافت. همچنین کمتر رنگیزه ای حد اشباع فام مربوطه در چرخه رنگ را داراست . رنگهای درخشان به تنهایی جذاب هستند اما اگر در یک الگو یا ردیفی منظم قرار گیرند از نظر بصری تأثیر بیشتری خواهند داشت. این نوع آرایش یک ساختار ساده را بر این رنگها حاکم می کند و در نتیجه یک مفهوم و یا نوعی نظم را ورای حضور محض رنگها منتقل خواهد کرد

دیوارها و پیش زمینه های روشن رنگهای سرد، مختصر کاهش در دمای بدن نگرنده ایجاد می کنند و رنگهای گرم باعث مختصر افزایش دمای بدن می شوند. به لحاظ بصری، رنگ گرم پیش می آید و رنگ سرد پس می نشیند پنجره ها و مبلمان با زمینه رنگ و سایز متوسط در مبلمان و پنجره هایی با سایز بزرگ، شاهد آن خواهیم شد که رنگ آنها با یکدیگر مخلوط خواهد شد و از لحاظ تأثیر گذاری بر محیط غالب خواهند شد و ثبات از بین خواهد رفت و تلویحاً نوعی تکان بصری ایجاد خواهد نمود. با مبلمان و پنجره های متوسط و با رنگی متعادل و متوسط خواهیم توانست ترکیب بندی با ثبات داشته باشیم. هر ترکیب بندی را می توان کارآمد دانست به شرط اینکه عناصر صحنه به طور موثر با بینندگان مورد نظر آن ارتباط برقرار کند. در اغلب موارد نکته اساسی در شناسایی عناصر کلیدی صحنه نهفته است تا با نظم مبلمان و میزان نور، آنها را از دل سایر عناصر تصویری متفرقه بیرون بکشید. همین اشیاء مزاحم، صحنه ها را مخدوش می کنند و همچنین بهتر است به جای تمرکز زیاد روی جزئیات خیلی خاص، تنها روی ساختار کلی صحنه تمرکز کنید چرا که تأثیر آنها در مقابل ترکیب بندی عمومی بسیار سطحی است

ملحقات تیره از این رو چشمان ما را به سمت رنگ تیره تر می کشند و ما در روشی قادر خواهیم بود ملحقات و اثاثیه ها را نظم دهید تا هادی دید و کیفیت بصری روان باشند

قسمت دوم : تأثیر و روانشناسی انواع رنگ در معماری داخلی

رنگ ها می توانند به شیوه های مختلف تأثیراتی بنیادین در زندگی بر جای گذارند که از جمله مهم ترین آنها می توان به تأثیر آنها بر احساسات اشاره کرد. جهانی که انسان در آن زندگی می کند، متشکل از هزاران رنگ و تونالیته های مختلفی است که موجودات و اشیاء را برای ما جذاب تر و حتی به گونه ای معنوی، عمیق تر نشان می دهند. هر کدام به سبب ویژگی های شیمیایی و روانشناسانه ای که دارا هستند، منبع مهمی از انرژی، در جهت فزونی سلامت و نشاط روح و روان در انسانها به شمار می روند. جهانی تک رنگ با تونالیته های محدودی را، با طبیعت اطراف خویش مقایسه کنید و یا خود ساکن شهری سیاه و سفید بدانید، بدون هیچ کنتراستی و هیجانی. معنای زندگی تغییر یافته و سردی و مردگی بر همه جا حاکم می شود. فضایی بی روح و عاری از هر جنب و جوشی که تشنه جرعه ای رنگ است. مسأله رنگ به سبب تأثیرات مهم روانشناسانه اش، در مقوله شهر و فضاهای معماری امری مهم به شمار می رود، تا بدانجا که تخصصی با عنوان رنگ بندی و رنگ شناسی فضاهای شهری در بین هنرمندان مطرح شده است.

هماهنگی در رنگ مثل هماهنگی در نت های موسیقی است و از اهمیت ویژه ای در ایجاد هارمونی مناسب و چشم نواز به مانند قطعه موسیقی برخوردار است.

برای رسیدن به اهدافی همچون کارکرد مناسب، زیبایی بصری، هارمونی فضایی، و تأثیر محیطی و روانی مؤثر و مثبت در دار و زیبا از عناصر طراحی است. در یک طرح مطلوب همه عناصر و طراحی داخلی، مستلزم استفاده هماهنگ، منسجم، معنی اجزاء در نسبت به تأثیرات کیفی و معنایی که به فضا اعمال می کنند در ارتباطی تنگاتنگ با هم قرار دارند. بر این اساس، بعدی فضا دارد. تجربه سالیان دراز کار با رنگ ثابت موفقیت هر طرح بستگی کامل به چگونگی ترکیب عناصر و الگوهای سه کرده است که رنگ ها نیز مثل انسان ها از جهات مختلف با یکدیگر مرتبط اند و سلیقه ها و صفات مشترکی دارند و یا برعکس متضاد یکدیگرند. شاید تصور کنید که نارنجی و سرخ متضاد همدند، در حالی که در دایره رنگ کنار هم قرار می گیرند و دارای هارمونی هستند. خریدن یک دایره رنگ، که در آن نحوه ارتباط رنگ ها و چیدمان آنها و رنگ های مکمل مشخص شده است و در اکثر فروشگاه های لوازم هنری وجود دارد، با ارزش است تا قبل از خریدن زرد گریپ فورتی و سبز زیتونی. برای رنگ کردن اتاق خواب، نگاهی به آن بیندازیم.

رنگ بندی اتاق ها و استفاده از مصالحی که بتواند خصوصیات رنگی و بافت مورد نظر ما را برآورده سازد بسیار مهم و در عین حال قدرت اعمال نفوذ بر تغییرات کالبدی فضا را نیز داراست، کارهایی که برای تعدیل و تقسیم بندی دیواره های رنگی انجام می گیرند می تواند به عنوان ایده ای برای تعیین کالبد فیزیکی فضا نیز عمل کند و جنبه های کاربردی طراحی را با معیارهای زیبا شناختی همراه سازیم. به عنوان مثال مسأله روشنایی و استفاده از نور طبیعی در طراحی یک اتاق بسیار مهم است ولی نحوه کنترل نور، انتخاب رنگ و مصالحی که نور را از خود عبور می دهند به خلاقیت و قدرت طراح در ایجاد هماهنگی، که به کارکرد روشنایی اتاق و مطلوبیت فضا بستگی دارد.

استفاده از چرخه رنگ، روشی مطمئن برای یافتن رنگ های متناسب با رنگ مورد نظر ماست. چرخه رنگ متشکل از دوازده رنگ است که سه رنگ قرمز، زرد و آبی در آن رنگ های اولیه و رنگ های میان آنها به عنوان رنگ های ثانویه شناخته می شوند. هر رنگ در این چرخه می تواند با رنگ های کناری خود که رنگ های هم خانواده اش محسوب می شوند و همچنین رنگ مقابلش که رنگ مکمل آن است به خوبی ترکیب شده و نتیجه ای زیبا و موزون بیافریند. استفاده از رنگ های هم خانواده که در چرخه رنگ در کنار هم قرار گرفته و به اصطلاح همسایه هستند ترکیبی ملایم و هماهنگ را ایجاد می کند که نگاه بیننده را به راحتی از یکی به دیگری رهنمون می شود.

استفاده از یک رنگ با میزان کمی از رنگ مکمل آن چنانچه به درستی و در اندازه های صحیح صورت گرفته باشد نتیجه ای درخشان و چشمگیر می آفریند و بر جذابیت مجموعه رنگی حاضر می افزاید و مانع غالب شدن کامل یک رنگ بر فضای اتاق می شود.

چنین عواملی در انتخاب رنگ برای بناها، دکوراسیون داخلی و مبلمان فضا، رویکرد های مختلفی را در طراحی ایجاد می کنند. رنگ یکی از عوامل تعیین کنند سبک و سیاقی است که بدان طریق با محیط پیرامون خود ارتباط بر قرار می کنیم و بیشتر از هر عامل مستقل دیگری می تواند فضای کسالت بار و یکنواخت اطراف را به مکانی روح بخش مبدل سازد. عوض کردن رنگ دیوار ها می تواند بیش از تغییر مبلمان یا حتی ساختار یک اتاق، نتایج چشم گیری به بار آورد. تا کنون خانه های بسیاری به رنگ بژ و کرمی و تنالیده های آن رنگ آمیزی شده اند و رنگ استاندارد معمول برای خانه های جدید مگنولیایی است اما باید تصور نمود که در شرایط مختلف اجتماعی و به خصوص اقلیمی، چگونه باید از این رنگ ها استفاده کرد و یا دیوار هایی به رنگ های ملایم و نامحسوس مثل استخوانی، برای زندگی کردن بسیار مناسبند، اما ایجاد کنتراست در آنها با انتخاب رنگ های خاص در لوازم جانبی منزل و روکش ها و رومبلی ها باعث روح بخشی به فضا می شود.

برای آنکه بتوانیم ارتباطی درست میان طبیعت خود با دکوراسیون داخلی خانه برقرار سازیم، باید بیاموزیم که ترس از متفاوت بودن با سایرین را از خود برانیم، مشکلی که امروزه بسیار با آن درگیریم و بسیاری از طراحی های معماری و داخلی را تحت الشعاع قرار می دهد. نمی توان در جامعه ای سیاه و سفید، تفکری رنگی داشت و فردایی بهتر را تصور کرد. غالباً خود را در حصار از رنگ هایی به تحمیل عرف و جامعه «معقول» و «بی روح» و بی رمق قرار می دهیم، رنگ هایی که مانع از بروز احساسات و نمایان شدن خود واقعی ما می گردد. به منظور کمک برای ایجاد فضایی مطلوب و دلنشین در محیط زندگی خود و بهره گیری هر چه بهتر از رنگ ها، لازم است اطلاعات گسترده تری درباره ارتباطات فردی خویش با رنگ ها نایل شویم و مواردی را درک کنیم که علاقه مندی یا بیزاری به رنگ های خاص را در مورد ما آشکار می سازد. با بذل توجه بیشتر به قدرت رنگ ها در خانه های خود ممکن است از آنچه به واسطه این کار نمایان می شود به شکلی خوشایند یا ناخوشایند غرق حیرت شویم. رسیدن به ترکیب رنگ مناسب در اتاق، لباس و یا هر مورد دیگر، نه فقط جلب توجه می کند بلکه حالتی از اطمینان و آرامش را نیز القا می کند.

کار موثر با رنگ بیش از همه به تحریک حس خلاقیت نیازمند است. به دست آوردن یک ترکیب رنگ مناسب که درست با منظور و هدف فرد منطبق باشد خود به نوعی «آفرینش» محسوب می شود.

برای بدست آوردن چیدمانی مناسب از رنگ ها در فضاها داخلی گام های اولیه زیر ضروری است

۱) آن مطلبی را که با زبان رنگ می خواهید به بیننده بگویید در اندیشه خود آماده داشته باشید

۲) یک رنگ اصلی که سخن گوی پر قدرتی برای بیان آن مطلب باشد، پیدا کنید

۳) رنگ های دیگری که در اطراف آن می چینید، باید در هماهنگی کامل باشد

۴) آنگاه به عنوان یک رهبر طرح وارد شده و این بار سلیقه هنری خود را در چیدن این ابزار های فنی دخالت دهید

به کاربردن رنگ در فضاها و یا مبلمانی ساده معمولاً نیازمند مهارت زیاد و گران قیمت نیست. یک طراح معماری خوب می تواند بسیاری از نیاز های محرک روانی با استفاده از مطالبی که گفته شد و اندکی خلاقیت در جهت رفاه مصرف کنندگان به کار گیرد، مخصوصاً به وسیله گوناگونی و اجتناب از تک رنگ بودن

قسمت سوم رنگ عنصر اصلی دکوراسیون داخلی

رنگ یکی از جالب ترین جنبه های دکوراسیون است. طراحان دکوراسیون امروزی تقریباً همه قوانین سابق در ارتباط با استفاده از رنگ های گوناگون و ترکیب آنها با یکدیگر را در هم شکسته اند و امروز هر رنگی را می توان در دکوراسیون منزل

به کار برد. دیگر مرزها و محدودیت های گذشته در کاربرد رنگ ها در دکوراسیون رعایت نمی شوند و شاید به همین دلیل انتخاب مجموعه رنگی دلخواه برای دکوراسیون یک خانه مشکل تر شده باشد اما هنوز راه هایی برای تشخیص مجموعه رنگی مناسب برای هر خانواده وجود دارد. امروزه بیش از هر چیز به سلیقه و روحیات ساکنین خانه توجه می شود. هر یک از ما احتمالاً ایده هایی درباره رنگ های مورد علاقه خود داریم و انتخاب و سلیقه ما اغلب بهترین راهنما برای انتخاب مجموعه رنگی مناسب برای محل زندگی و منزلمان است. اگر به یک پارچه کفی رنگ پریده، یک رومیزی بنفش پررنگ و یا لباس هایی به رنگ های زنده و درخشان تمایل دارید اینها می توانند راهنمای شما در انتخاب مجموعه رنگی مناسب برای منزلتان باشند. در قدم اول کلیه لوازمی که در منزل دارید و آنها را به خاطر رنگشان دوست می دارید در یکجا جمع کنید. این وسایل ممکن است عبارت باشند از یک روسری، یک سرویس بشقاب، صابون یا کارت تبریک و یا هر آنچه به واسطه رنگش مورد پسند شما است.

رنگ هایی که شما می پسندید، ترکیب آنها با یکدیگر در یک مجموعه واحد و تأثیر نور موجود در فضا بر آنها عواملی هستند که نتیجه کار را تحت تأثیر قرار می دهند.

هنگامی که رنگ های مورد پسندتان را انتخاب کردید با استفاده از مداد رنگی، مداد شمعی، آبرنگ و یا هر وسیله رنگ آمیزی دیگری که در اختیار دارید آنها را در کنار هم بر روی یک قطعه کاغذ سفید آزمایش کنید. اندازه سطوح رنگی مختلف را تغییر دهید و به آنها کمی سفید برای روشن تر شدن اضافه کنید. به چرخه رنگ مراجعه کنید و با استفاده از آن، رنگ مورد نظرتان را یافته در کنار آن امتحان کنید. به خاطر داشته باشید که رنگ های منتخب شما وقتی بر روی سطح دیوارهای اتاق اجرا شوند تأثیری بسیار قوی تر از نمای آنها بر روی یک قطعه کاغذ خواهند داشت. وقتی به یک ترکیب رنگی رضایت بخش رسیدید توجه داشته باشید که تأثیر نور موجود در محیط و شرایط منزل خود را نیز در نظر بگیرید. به عنوان مثال دیوارهای زرد درخشان برای یک خانه آفتاب گیر در منطقه ای با آب و هوای گرم و آفتابی بسیار زیبا به نظر می رسند اما همین رنگ بر روی دیوارهای یک اتاق شمالی که از نور طبیعی کمی بهره مند است نازیبا و کسل کننده خواهد بود. در چنین اتاقی استفاده از رنگ زرد خردلی نتیجه ای بسیار مناسب تر خواهد داشت. نور چه از نوع طبیعی و چه مصنوعی باشد تأثیرات مختلفی بر رنگ خواهد داشت و آگاهی از این امر هنگام طراحی رنگ یک فضا ضروری است. دقت کنید که در چه زمانی از روز و به چه میزان نور طبیعی به هر یک از اتاق های شما می تابد و رنگ مورد نظرتان برای هر یک از اتاق ها را در نور همان اتاق بیازمایید.

انتخاب رنگ مناسب برای پوشش دیوارها اولین قدم در طراحی رنگی برای دکوراسیون هر اتاق است اما شاید یافتن رنگ های متناسب با آن برای دیگر اجزای دکوراسیون کمی مشکل تر به نظر برسد.

استفاده از چرخه رنگ، روشی مطمئن برای یافتن رنگ های متناسب با رنگ مورد نظر ماست. استفاده از رنگ های هم خانواده که در چرخه رنگ در کنار هم قرار گرفته و به اصطلاح همسایه هستند ترکیبی ملایم و هماهنگ را ایجاد می کند که نگاه بیننده را به راحتی از یکی به دیگری رهنمون می شود. استفاده از یک رنگ با میزان کمی از رنگ مکمل آن چنانچه به درستی و در اندازه های صحیح صورت گرفته باشد نتیجه ای درخشان و چشمگیر می آفریند و بر جذابیت مجموعه رنگی حاضر می افزاید و مانع غالب شدن کامل یک رنگ بر فضای اتاق می شود.

منابع

امیری، ح، هاشمیان، ح، صادقی، ح، (۱۳۹۴). بررسی نظام رنگ ها در کنترل ابعاد ظاهری، همایش بین المللی تحقیقات در علم و تکنولوژی، مالزی.

۱. صدر_ ابولقاسم_ «معماری، رنگ و انسان»_انشارات اندیشه ۱۳۸۴

• صدر_ ابولقاسم_ «معماری، رنگ و انسان»_انشارات اندیشه ۱۳۸۴_صدر_ ابولقاسم_ «معماری، رنگ و

انسان»_انشارات اندیشه ۱۳۸۴

• ایتن_یوهانس_ «عناصر رنگ ایتن»_ترجمه؛ بهروز ژاله دوست_ انتشارات تهران_عفاف ۱۳۸۱

• رنگ در دکوراسیون و طراحی داخلی (جوانا کاپستیک/مریل لوید)